

عبدالرحمن فتح‌اللهی: از شاه‌گام دوشنبه و با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، نقش و جایگاه چهره‌هایی مانند ایلان ماسک در دولت جدید آمریکا بیش از پیش مورد توجه قرار خواهد گرفت. مالک شرکت‌هایی مانند تسلا، اسپیس‌ایکس و شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق)، مشخصاً تاکنون دو بار نامش با ایران گره خورده است. در حالی اواخر آبان ماه انتشار خبر مذاکره و دیدار ایلان ماسک با امیرسعدی ایرانی، سفیر ایران در سازمان ملل به یک حاشیه رسانه‌ای و دیپلماتیک بدل شد که اکنون برخی گزارشات از نقش دوباره نژوتمدن‌ترین فرد جهان در آزادی خبرنگار ایتالیایی از ایران حکایت دارد؛ موضوعی که خود ایلان ماسک هم به نوعی آن را تأیید کرده است. در پیوست این نکته و به نوشته مهر، این سرمایه‌دار آمریکایی در شبکه اجتماعی «ایکس» و در پاسخ به یک کاربر که پرسیده بود آیا گزارش‌ها درباره نقش او در آزادی این خبرنگار ایتالیایی درست است، صرفاً به بیان همین جمله بسنده کرد که «من نقش کوچکی داشتم». اشاره ماسک به آزادی چچلیا سالا، خبرنگار ایتالیایی است که اوایل دی ماه به اتهام نقض قوانین جمهوری اسلامی در ایران بازداشت و سرانجام ۱۹ دی‌ماه آزاد شد. پیش از این روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی به نقل از منابع اگاه مدعی شد که ایلان ماسک در تماس با امیرسعدی ایرانی، سفیر ایران در سازمان ملل، موجب آزادی این خبرنگار ایتالیایی شده است. این روزنامه آمریکایی در گزارش خود مدعی شده بود «هنگامی که روزنامه‌نگار ایتالیایی در ماه دسامبر در ایران بازداشت شد، همسرش نگران بود که چچلیا سال‌ها در زندان باقی بماند؛ بنابراین در میانه مذاکرات مقامات ایرانی و ایتالیایی بر سر مبادله زندانیان دو طرف، همسر سالا تصمیم گرفت پیامی را از طریق یک واسطه برای فردی که احتمالاً می‌توانست در این زمینه نقش آفرینی کند، ارسال کند. نام آن فرد ایلان ماسک بود. به گفته دو مقام ایرانی که از شرایط مبادله این زندانی ایتالیایی اطلاع داشتند، ماسک طی تماس با امیرسعدی ایرانی، سفیر ایران در سازمان ملل، به آزادی سالا کمک کرد. این منابع درخواست کردند که اسامی آنها منتشر نشود؛ زیرا در مورد یک موضوع حساس بحث می‌کنند».

کانال تماس تهران-ماسک

علاوه بر رد گفته‌های نیویورک‌تایمز از نقش آفرینی ایلان ماسک در آزادی «سالا» توسط آنتونیو تاجانی، وزیر امور خارجه ایتالیا و نیز اظهار بی‌اطلاعی جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا در همین رابطه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم آن را تکذیب کرد و گزارش روزنامه آمریکایی را «یک داستان سرایی و خیال‌بافی رسانه‌ای» توصیف کرد. با وجود این «فریدناندو نلی فوجی»، دیپلمات سابق ایتالیایی در این باره می‌گوید که «محتمل‌ترین گزینه آن است که جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا از ناحیه دولت ترامپ شنانه‌ای دریافت کرده است». این دومین تماس ماسک و ایرانی‌ای طی چند ماه گذشته است که از سوی وزارت خارجه تکذیب می‌شود. حدود دو ماه قبل هم نشریه نیویورک‌تایمز طی گزارشی عنوان کرد که ایلان ماسک و امیرسعدی ایرانی به مدت یک ساعت در نیویورک دیدار کردند. خبری که اگرچه از سوی ایران تکذیب شد، اما می‌تواند نقش، جایگاه و نفوذ بالای ماسک در دولت دوم ترامپ را به خوبی روشن کند. با توجه به آنچه عنوان شد و با وجود تکذیب‌های مقامات ایران، ماسک علاوه بر تأیید نقش کوچک خود در ماجرای آزادی خبرنگار ایتالیایی بر ارتباط غیرمستقیم خود با ایران تأکید دارد. همچنان که او در پاسخ به توییتر در مورد نقش خود در آزادی خبرنگار ایتالیایی این‌گونه نوشت: «من هیچ ارتباطی با ایران نداشتم، فقط برخی پیشگامی‌ها از طرف ما توصیه شده است». با این حال اکنون نقش آفرینی توصیه‌های ایلان ماسک در آزادی سالا و نیز خبرها دال بر دیدار دو ماه پیش با ایرانی، می‌تواند مؤیدی بر شکل‌گیری کانال تماس تهران با این میلیاردر آمریکایی باشد.

ماشین برف‌روبی در بازگشایی مسیر ایران و آمریکا

در همین باره و آن‌طورکه دنیای اقتصاد هم به نقل از نشریه بلومبرگ گزارش داده «در سایه رویکرد مشاوران دولت دوم ترامپ برای مواجهه با ایران، قرار است ایلان ماسک نقش ماشین برف‌روبی را ایفا کند تا به بازگشایی مسیرها کمک کند». این نشریه در ادامه گزارشش به «وجود دو دیدگاه متفاوت در حلقه مشاوران ترامپ در ارتباط با ایران اشاره دارد که در نهایت یک نتیجه را دنبال می‌کنند و با وجود یکدست‌بودن تیم ترامپ برای کلیدزن برزوه فشار حداکثری، اما نقش متفاوتی برای ایلان ماسک تعریف شده که از قضا پربرنگ‌تر شده. نگرانی‌هایی را نیز برانگیخته است. همچنان که جو بایدن در نقطه حفاظتی‌اش پس از پایان دوره چهارساله ریاست‌جمهوری‌اش نسبت به تمرکز خطرناک قدرت در دستن افراد بسیار ثروتمند هشدار داد.»یک الیگارش‌ی از ثروت عظیم، قدرت و نفوذ در حال شکل‌گیری در آمریکاست که به معنای واقعی کلمه تمام دموکراسی ما، حقوق اولیه و آزادی‌های ما را تهدید می‌کند».



«شرق» از تأثیر چهره‌هایی مانند ایلان ماسک بر سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ایران گزارش می‌دهد

ایران و ایلان

کے البتہ مستظہر بہ گزینہ فشار برای متقاعدکردن ایران و سایر بازیگران بہ مذاکرہ است». بلومبرگ در ادامه نوشته است، «جایگاه تکنوکراتیک ایلان ماسک و شخصیت غیرحزبی و غیررسمی او باعث می‌شود تا برای بازیگری چون ایران که نمی‌خواهد با مقامات رسمی دولت ترامپ ارتباط مستقیم یا غیرمستقیمی برقرار کند، ارتباط با شخص ماسک راحت‌تر و کمتر با پیچیدگی‌های ساختاری و سازمانی و حزبی همراه باشد».
به گفته منابع بلومبرگ، درخصوص ایران یک اجماع کلی میان مشاوران کلیدی ترامپ برای بازگشت به استراتژی فشار حداکثری کامل با هدف قراردادن تهران وجود دارد که با یک بسته تحریمی بزرگ شروع می‌شود که بازیگران اصلی صنعت نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است در اوایل فوریه رخ دهد. در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، چنین رویکرد مشابهی صادرات نفت ایران را بہ میزان قابل توجهی کاهش داد. اما حضور شخصیتی همچون ایلان ماسک در دولت ترامپ جدا از نقشی که برای او تعریف شده، نگرانی‌هایی را نیز برانگیخته است. همچنان که جو بایدن در نقطه حفاظتی‌اش پس از پایان دوره چهارساله ریاست‌جمهوری‌اش نسبت بہ تمرکز خطرناک قدرت در دستن افراد بسیار ثروتمند هشدار داد.»یک الیگارش‌ی از ثروت عظیم، قدرت و نفوذ در حال شکل‌گیری در آمریکاست که به معنای واقعی کلمه تمام دموکراسی ما، حقوق اولیه و آزادی‌های ما را تهدید می‌کند».

فرشید باقریان: ایلان ماسک نقش چندان جدی‌ای در موضوعات سیاست خارجی و مشخصاً ایران نخواهد داشت

برخلاف دو گزارش روزنامه نیویورک‌تایمز و بلومبرگ، فرشید باقریان در گفت‌وگویی

با «شرق»، اساساً این دست گزارشات و ادعاهای رسانه‌ای دال بر نقش مؤثر ایلان

ماسک در تنظیم نوع روابط دولت دوم ترامپ با ایران را چندان نزدیک و واقعیت

ارتزایی نمی‌کند و معتقد است «ایران بہ دلیل ارتباطاتی که با کلان‌موضوعات

سیاست خارجی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از خاورمیانه گرفته تا مناسباتش با

روسیه، چین و همچنین مسئله امنیت اسرائیل و سایر موضوعات دارد، پرورنده بسیار کوچکی کہ بتواند

نقش آفرینی، ولو حداقلی را برای ایلان ماسک قائل بود، و در این قیاس است کہ تحلیلگر ارشد مسائل

بین‌الملل «ایران را مانند لوکزامبورگ کم‌اهمیت نمی‌داند کہ دولت ترامپ بخواهد با نقش آفرینی ایلان ماسک

آن را مدیریت کند». البتہ این مفسر ارشد مسائل سیاست خارجی «تلاش برای هرگونه رابطه با ایلان ماسک و

برقراری کانال ارتباطی با سایر مقامات دولت ترامپ را حائز اهمیت می‌داند»، اما در عین حال اذعان دارد «آن چیزی کہ می‌تواند سناریوها و مسیر مناسبات تهران – واشنگتن را در چهل سال پیش‌رو تعیین کند، بہ تصمیمات دونالد ترامپ و همچنین مواضع فردی مانند مارکو رونیو بہ عنوان وزیر امور خارجه یا اعضای مجلس سنا بازمی‌گردد، نہ مواضع فردی مانند ایلان ماسک کہ اشراف و آگاهی بہ حوزه سیاست خارجی ندارد». از سوی دیگر فرشید باقریان اقدام دیروز (شنبه) دونالد ترامپ برای برکناری فردی مانند بری‌ان هوک کہ قبلاً تر مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه دولت اول او (ترامپ) بود، مؤیدی بر این می‌داند کہ «ترامپ در کلان‌نگاه خود، حتی برای افرادی مانند بری‌ان هوک هم ارزش زندان زیادی قائل نیست، چه برسد بہ ایلان ماسک کہ بخواهد توصیه‌هایی در حوزه پرورنده ایران داشته باشد».

البتہ این تحلیلگر گفته‌های خود را بہ معنای تکذیب برخی تماس‌های احتمالی امیرسعدی ایرانی با ایلان ماسک یا نقش توصیه‌ای و حمایتی وی (ماسک) در جریان آزادی خبرنگار ایتالیایی نمی‌داند. با این حال و بہ زعم او «نباید برای ایلان ماسک نقشی بیشتر از یک چهره‌ای قائل بود کہ می‌تواند در موضوعات سیاست خارجی و بنا بر سطح فہم و درک خود، توصیه‌ها یا پیشنہااتی را برای دونالد ترامپ داشته باشد». بہ همین دلیل فرشید باقریان در بخش پایانی کپ‌وگفتش با «شرق» «هم ادعای نیویورک‌تایمز را زیر سؤال می‌برد و ہم تشبیہ بلومبرگ را نادرست می‌داند چرا کہ ایلان ماسک نخواهد توانست مانندیک ماشین برف‌روبی، مسیر مناسبات ایران و آمریکا را همواره کند».

امیرعلی ابوالفتح: کانال ارتباطی ماسک-ایرانی بدیدہ جدیدی نیست

امیرعلی ابوالفتح ہم دیگر کارشناسی بود کہ در کپ‌وگفت خود با «شرق» و همسو با قرانت فرشید باقریان، قائل بہ نقش و نفوذ جدی ایلان ماسک، مشخصاً در عرصہ سیاست خارجی و ترسیم مناسبات دولت دوم ترامپ با جمهوری اسلامی ایران نیست و در همین رابطه یادآور می‌شود «بہ‌رغم تکذیبیہ‌های وزارت امور خارجه ایران و ایتالیا بی‌ایرمان نقش آفرینی ماسک در آزادی چچلیا سالا و همچنین دیدار آبان ماه با امیرسعدی ایرانی، باز نباید نقشی فراتر از جایگاه ایلان ماسک در عرصہ سیاست خارجی را برای او متصور بود». چون بہ باور این تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا «هرچند ایلان ماسک خود را برای یکی از پست‌های وزارتی آماده می‌کند، اما وی ارتباط چندانی با حوزه سیاست خارجی ندارد و نقش آفرینی او بہ موضع‌گیری‌های فضای مجازی یا انجام مصاحبه‌ها باز می‌گردد». ضمن آنکہ بہ گفته این کارشناس «پیش از ایلان ماسک ہم جمهوری اسلامی ایران از طریق برخی دیگر از مقامات آمریکایی، کانال‌های ارتباطی خود را داشت و برخی اختلافات یا مسائل را از این طریق بہ نتیجہ می‌رساند». لذا ابوالفتح «طرح برخی گزارہ‌ها مانند ایجاد کانال ارتباطی بین «ایروانی و ماسک» را حتی مشروط بہ صحت و وقوع آن، اتفاق چندان جدی‌ای نمی‌داند کہ بخواهد بہ عنوان یک نقطہ عطف عمل کند». مفسر ارشد مسائل آمریکا در ادامه ارتزایی‌اش، نکته مهم‌تری را متذکر می‌شود و برخلاف گزارش بلومبرگ کہ نقش یک ماشین برف‌روبی را برای ایلان ماسک در عرصہ سیاست خارجی می‌کند کہ «ایلان ماسک بہ دلیل نفوذ بسیار بالایی کہ در تفکرات و تصمیمات دونالد ترامپ دارد، سعی خواهد کرد از برخی توصیه‌ها و پیشنہادات چهره‌های تندروری شد‌ایرانی مبنی بر اتخاذ سیاست عملی جنگ‌افروانه، چه در قالب ضربه یا حملہ نظامی و چه در قالب جنگ بلندمدت با تهران جلوگیری کند». چراکہ از منظر این تحلیلگر، «ایلان ماسک نیز مانند دونالد ترامپ یک قرانت اقتصادی از مسائل دیپلماتیک و سیاست خارجی دارد و بہ همین واسطہ است کہ اساساً تمایلی بہ هیچ‌گونه درگیری، جنگ، تنش و حملہ نظامی بین ایران و آمریکا قائل نیست». با چنین خوانشی، ابوالفتح توضیح می‌دهد کہ «ایلان ماسک سعی خواهد کرد با همین نفوذ بالای خود نقشی حداقلی را برای جلوگیری از هرگونه درگیری بین تهران و واشنگتن ایفا کند، همچنان کہ ماسک طرفدار پایان جنگ در اوکراین نیز هست و بر لزوم برقراری آتش‌بس بین مسکو وکی‌یف تأکید می‌کند».

علی‌رغم آنچه عنوان شد، این کارشناس باز ہم بر خط تمایز قبلی خود مانور می‌دهد و مجدداً یادآور می‌شود کہ «بہ‌رغم نفوذ و قدرت بالای ایلان ماسک در تصمیمات دولت ترامپ و جایگاه او در عرصہ اقتصادی و تجاری آمریکا، نباید دچار خطای محاسباتی شد و چنین جایگاهی را هم برای ایلان ماسک در عرصہ دیپلماتیک و مشخصاً تنظیم روابط ایران و آمریکا برای چہار سال پیش‌رو در دولت دوم دونالد ترامپ قائل بود». چون بہ گفته ابوالفتح، «نقش و جایگاه اقتصادی ایلان ماسک یک چیز است و مناسبات و اقتضانات مربوط بہ حوزه دیپلماسی، یک فضای کاملاً متفاوت را با افرادی کاملاً متمایز طلب می‌کند کہ قطعاً ایلان ماسک در این چارچوب قرار نخواهد گرفت».

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای غلامرضا صادقی برابر وکالتنامه ۱۷۹۹۸۰ مورخ ۲۱-۲۱-۱۳۹۲ دفترخانه ۵۷ تهران وسند وکالت ۹۱۲۸ مورخ ۲۵- ۲۵- ۱۰- ۱۳۹۳- دفترخانه ۱۰۳۱ تهران با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۱۴۴۲۳- ۱۴۴۲۴- ۱۴۴۲۵- ۱۴۴۲۶- ۱۴۴۲۷- ۱۴۴۲۸- ۱۴۴۲۹- ۱۴۴۳۰- ۱۴۴۳۱- ۱۴۴۳۲- ۱۴۴۳۳- ۱۴۴۳۴- ۱۴۴۳۵- ۱۴۴۳۶- ۱۴۴۳۷- ۱۴۴۳۸- ۱۴۴۳۹- ۱۴۴۴۰- ۱۴۴۴۱- ۱۴۴۴۲- ۱۴۴۴۳- ۱۴۴۴۴- ۱۴۴۴۵- ۱۴۴۴۶- ۱۴۴۴۷- ۱۴۴۴۸- ۱۴۴۴۹- ۱۴۴۵۰- ۱۴۴۵۱- ۱۴۴۵۲- دفترخانه ۱۳۰۹ تهران تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

نام و نام خانوادگی مالک : معصومه فعلی فرزند عین الله – حسین صادقی فرزند غلامرضا –مصطفی آشوری فرزند احمد– محمدرضا صادقی فرزند غلامرضا– فاطمه صادقی فرزند غلامرضا –مرتضی مرادیان فرزند محمد – آیت اله عبدلی فرزند حبیب اله – میلاد عبدلی فرزند آیت الله شماره پلاک ثبتی : ۳۵۸۲۲ فرعی از ۸۲ اصلی ، علت گم شدن: جابجایی.

یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۳۵۸۲۲ فرعی از ۸۲ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۳۵۴ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۵ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک لویزان تهران استان تهران به مساحت ۱۸۶.۴ متر مربع مالکیت معصومه ، فعلی فرزند عین الله شماره شناسنامه ۴۴۹۸ تاریخ تولد ۰۶.۰۱.۱۳۵۱. صادره از ملایر دارای شماره ملی ۰۵۸۰۵۸۳۲۳۳۵۸۰۵۸ با جز سهم ۰.۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۴ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۷ ثبت گردیده است.

مالکیت حسین صادقی فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۸۴۹۶ تاریخ تولد ۰۲.۲۸.۱۳۵۲. صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۵۰۴۴۴۴۲ صادره از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۶ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۹ ثبت گردیده است.

مالکیت مصطفی آشوری فرزند احمد شماره شناسنامه ۴۷۷ تاریخ تولد ۰۶.۰۱.۱۳۳۵. صادره از اراک دارای شماره ملی ۰۵۳۲۱۱۵۵۶۲ با جز سهم ۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ تولد ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه اسناد شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۲ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۴ ثبت گردیده است.

مالکیت محمدرضا صادقی فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۰۶.۰۱.۱۳۵۸. صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۰۶۱۵۸۰۶ با جز سهم ۰.۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ تولد ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۳ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۵ ثبت گردیده است.مالکیت فاطمه صادقی فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۰۶.۰۱.۱۳۶۶. صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۹۴۳۰۲۲۸ تاریخ تولد ۲۲.۰۹.۱۳۹۴. دفترخانه رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۵ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۸ ثبت گردیده است.

مالکیت مرتضی مرادیان فرزند محمد شماره شناسنامه ۸۱۷۱ تاریخ تولد ۰۶.۱۱.۱۳۴۴. صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۳۶۷۳۲۷۲۸۳ با جز سهم ۱۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ تولد ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه اسناد شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۱ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۳ ثبت گردیده است. حقوق ارتقایی :مالکیت آیت اله عبدلی فرزند حبیب اله شماره شناسنامه ۶۸ تاریخ تولد ۲۴.۰۴.۱۳۳۸. صادره از ملایر دارای شماره ملی ۰۵۸۹۰۰۳۲۴۳۲۹۸۰۱ با جز سهم ۰.۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ تولد ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۸ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۸۷ ثبت گردیده است.

حقوق ارتقایی :مالکیت میلاد عبدلی فرزند آیت الله شماره شناسنامه ۰۶.۲۱.۱۳۷۱. صادره از ملایر دارای شماره ملی ۰۰۳۹۲۰۳۳۲۸۰۶ با جز سهم ۱۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۸۹۰۰ تاریخ تولد ۲۴.۰۹.۱۳۹۷. دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۸۴ شهر تهران استان تهران. موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۵۵۶۵ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۷۹۰۴۵۷۷۸ ثبت گردیده است. بعلت جابجایی مفقود گردیده فلذا درخواست صدور المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده اند لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرال انتشار آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور میباشد و یا ادعای وجود اصل سند مالکیت نزد خود را دارد، از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به اتمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند پس از رویت و ملاحظه به ارائه کننده آن اعاده خواهد شد. ضمناً به اعتراضات بدون سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. البتهایه در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر، قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.م اسناد و املاک لویزان (تهران)

شرق

نگاه

آتش‌بس

در غزه و چند نکته قابل تأمل

با وجود این، نگاهی به مواضع و رویکردهای دولت افراطی اسراییل و خود نتانیاهو نشان می‌دهد که این دولت

با دلگرمی به حضور دوباره ترامپ بر مسند ریاست‌جمهوری، سودای توسعه پیمان ابراهیم را داشته و تلاش دارد با پشت‌گرمی به حمایت ترامپ، همچنان در مسیر جلوگیری از ایجاد دولت فلسطینی و حذف فلسطینیان از معالسه بحران حرکت کند. این در حالی است که برخی از پیش‌بینی‌ها حکایت از تضعیف شدید احزاب افراطی راست‌گرا در انتخابات آتی اسراییل دارد. جامعه اسراییل در دو دهه گذشته بیش از پیش به سمت راست چرخش داشته به نحوی که تمامی احزاب معروف به طرف‌داران از روند صلح به حاشیه رانده شده‌اند. حال قرائن موجود نشان می‌دهد اگر روند سیاسی در اسراییل مانند گذشته با تفوق احزاب راست‌گرا پیش برود، بحران خاورمیانه تداوم یافته و حتی تشدید خواهد شد.

اما تغییر آرایش سیاسی در اسراییل و روی کار آمدن احزاب میانه‌رو می‌تواند با ایجاد چشم‌انداز ایجاد کشور فلسطینی روند تشدید افراط‌گرایی در منطقه را محدود کند. در دهه‌های اخیر خاورمیانه شاهد رشد قدرت نیروهای افراطی بوده و آخرین نمونه، سوریه نیز به مجموعه کشورهای تحت حاکمیت نیروهای اسلام‌گرای افراطی اضافه شده. البته دلایل متعددی در وقوع این وضعیت در خاورمیانه قابل بررسی است اما بی‌تردید حس تحقیر و انزجار ناشی از تداوم تحقیر و ستم به فلسطینیان و ناتوانی از تغییر این روند، در رشد افراطی‌گری تأثیرگذار بوده است. حال باید امیدوار بود که روند وقایع و حرکت به سوی حل بحران فلسطین در تصحیح روند سیاسی حاکم در خاورمیانه مؤثر باشد چراکه مشخص نیست این منطقه تا کجا ظرفیت رشد حرکت‌های افراطی را می‌تواند داشته باشد.